



ترجمه: ارغوان اشتری (از مجله استار و استایل - اگوست ۱۹۹۷)

گران ترین و مطرح ترین بازیگر روز سینمای هند

گفتگو با شاهرخ خان

تغییرات را در فیلمهای جدیدم خواهید دید

چونکه فیلم خوش ساختی است شما را سرگرم می کند. باعث خنده و یا گریه شما می شود... این فیلم است که تماشاگر را تحریک می کند. برای تماشاگر خیلی مشکل است که بنشیند و «ارزشهایی» را بپذیرد که قبول ندارد.

□ چرا در «شکار» سوباش گای ایضای نقش نکودید؟

■ شنیدم که از این پروژه کنار گذاشته شدم. اما این تنها عاملی نبود که در این فیلم بازی نکردم البته هیچ اختلافی وجود ندارد. سوباش گای از من درخواست کرد که پس از ترمیمورتی در فیلم آینده اش که شکار نام گرفت، با او همکاری کنم. سه ماه بعد، آنها دریافتند که این پروژه عظیم نیازمند زمان است. پس تصمیم گرفتند پاردرز را بسازند که من در آن ایضای نقش کردم. حال اگر فیلم سومی بخواهند بسازند، مستلزم مذاکرات جدید، قرارداد های جدید و فیلمنامه جدید است.

□ عصبانی نشوید ولی من فکر می کنم شما همیشه در حال کپی برداری هستید.

■ من فقط از خودم کپی برداری می کنم و نه از کس دیگر. من چنین کاری را در رابطه با دیگران نمی کنم وقتی از خودم کپی برداری می کنم این باعث می شود پیشرفت کنم و به جلو بروم. این یک کپی برداری بی ضرر است. وقتی کسی احساس خشنودی و آرامش می کند، به نظر من این زیان آورتر است. کپی برداری من از خودم مناسب تر است. این باعث می شود من احساس آرامش نکنم و فعال باشم.

□ اگر شما چنین رابطه سالمی را با خودتان دارید پس باید بازنگری هم به کارهایتان داشته باشید؟

■ نمی دانم باور می کنید یا نه. شاید گفتن این جمله تا اندازه ای عجیب باشد، اما من وقت بازنگری کردن به کارهایم را ندارم. موفقیت در راهی که من به آن دست یافته ام، این اجازه را نمی دهد که به آن دوباره فکر کنم. امیر و سلمان هر کدام ۱۰ سال است که در این صنعت هستند، اما من تنها ۵ سال تجربه کاری دارم. هنوز زمان بازنگری کردن فرا نرسیده است. در واقع نمی خواهم که وقتی داشته باشم و به عقب نگاه کنم.

□ آیا احساس می کنید که خیلی زود موفق شدید دیگران برای رسیدن به این مقام که شما دارید ۱۰ سال زحمت کشیدند و شما ...

■ دوستان همیشه می گویند که خیلی سریع موفقیت را در آغوش گرفتم. اما من اینگونه فکر نمی کنم. بلکه اعتقاد دارم همان سال اول باید موفق می شدم. اما این شانس برای من، الان اتفاق افتاده است. ببینید من، چه ذهنی و چه جسمانی از خود خیلی مایه گذاشتم. من برای رسیدن به این مقام زیاد کوشش کردم.

□ شما هرگز اشتباه نمی کنید و همیشه درست گفته اید حتی اگر در مورد مسأله ای شما را غافلگیر کنیم و در محصنه بیاندازیم. توضیحات منطقی زیادی برای همه چیز دارید.

■ خوب اینکه شوخی است که من هیچگاه اشتباه نمی کنم. من هم ممکن است در بعضی مسایل اشتباه داشته باشم. اما اجازه بدهید یک برداشت منطقی از دو دیدگاه بهتان بگویم. «هر حقیقتی دو جنبه دارد».

□ من می خواهم از دیدگاه شما آگاه شوم.

■ من انسان ریاکاری نیستم. اما اگر شما به من بگویید که من روز را دوست ندارم من بیست دلیل منطقی و جالب در تأیید این گفته ارایه خواهم داد. و اما، اگر به من بگویید که باید شب را دوست داشته باشم، بیست دلیل منطقی دیگر در رد این سخن خواهم گفت. در واقع دارم به شما نشان می دهم که چه آسان می شود شما را مجاب کرد.

□ درست کاری را که الان دارید انجام می دهید... نکته اینجاست که شما هیچگاه نمی پذیرید که در اشتباهید؟

■ من اشتباهاتم را می پذیرم اما نه در مقابل کسی که می خواهد مرا مجبور به قبول کردن آن کند، بلکه در

مردم گفتند: «کویلا فیلمی پر فروش اما از نوع ارزشی ب است.» اما اگر کسی بیشتر فروش می کرد، می توانست یک شاهکار پر فروش باشد. از نظر من فیلم خوبی از آب درآمد و حداقل برای من واکنش های جامعه خوب بود. بعضی فیلمها هستند که به هیچ وجه مردم به تماشای آنها نمی روند، اما برای دیدن کویلا مردم به سینما رفتند، هر چند که ممکن است از آن خوششان نیامده باشد.

یکی از دلایلی که می توان عامل ناموفق بودن کویلا ذکر کرد: «نگهداری از مادر» بود که توسط تماشاگران پذیرفته نشد. چرا باید بپذیریم که مورد قبول واقع نشده ام؟ کویلا پذیرفته نشد. در غیر اینصورت چرا باید مردم تا این اندازه به من توجه کنند؟ برای من راه بازگشت وجود ندارد. باید پیش بروم.

□ دلایل دیگری که وجود دارد آن است که بعضی تماشاگران هندی نمی توانند بپذیرند که پس از ازدواج بازیگر زنی، وی را دوباره به روی پرده سینما ببینند؟

■ این ساده کردن بیش از اندازه مسایل، و فقط برای توجیه دلایل است. اگر فیلمی شکست بخورد، هر کسی آنرا بررسی و نظر کارشناسانه می دهد، می گویند بازیگر یا هوم آپاک همین کان ارزشهای خانوادگی را پاس داشتند. اینها دلیلی بر موفقیت چنین فیلمهایی نمی شود.

زمانیکه برای اولین بار هاهک را دیدم، فکر نمی کردم به خاطر «ارزشهای خانوادگی» فروش کند، اما

□ شما برای هر چیزی پاسخی دارید. «کویلا» فیلم زیاد موفق نشد. آیا شما می توانید این شکست را به حساب حضور (گران) بی موقع فیلم در سینماها بگذارید؟

■ اگر من دلایلی را که بقیه فیلمهایم با موفقیت روبرو شدند می دانستم، در این فیلم نیز از همان عوامل بهره می جستم. من خالصانه در کویلا ایضای نقش کردم و از ساخت این فیلم شخصاً لذت بردم. ما زیاد وقت داشتیم و من برای فیلم وقت بسیار زیادی گذاشتم. به عنوان یک بازیگر در کویلا بسیار متفاوت ظاهر شدم.

ببینید! من باید در طول فیلم ساکت می بودم. این نقش برای من بسیار متفاوت و ارزشمند بود. من صد درصد از خودم مایه گذاشتم. جای هیچ شکلی را باقی نگذاشتم. حال اگر شما از من می پرسید چرا فیلم شکست خورد، من برای آن پاسخی ندارم. کویلا یکی از تکان دهنده ترین فیلمهای دوران کاری ام است. این فیلم آن چنانکه پیش بینی شده بود، موفق نشد. مردم دلایل زیادی را عامل شکست آن می دانند، مثل فروش ۲ کروڑ و چهل هزار روپیه فیلم. پریروز یکی از سرمایه گذاران فیلم می گفت: «اگر کویلا ۳۰ لک کمتر می فروخت، ارزش آن می توانست با مسرز برابری کند. اما باید جنبه تجاری فیلم را درک کرد. راکش دوشان نیز سود چندانی از پر فروش شدن کارن آرچون نبرد. پس سزاوار بود که از ساخت فیلم بعدی اش، همانطوریکه شد، سود زیادی ببرد. در آخرین نظرخواهی



■ هر نوع مقایسه‌ای با امیرخان، افتخارآمیز است. او تنها فردی است که من به آن احترام می‌گذارم اگر شما به او از دیدگاه خودتان نگاه کنید، امیر بسیار جالب و عجیب است. اما از دیدگاه و نقطه نظر خودش، او فرد بسیار مناسب و معقولی است.

او فیلمهای درخشان و پرزجسته‌ای در کارنامه خود دارد و بیش از آنچه که من بتوانم درباره خود بگویم دارای شهامت و دل و جرأت است. او مصمم است در گستره نادان جلوه شدن بنا به گفته بسیاری از مردم. اما من عقیده دارم او به عنوان یک بازیگر فکروش را به خوبی به کار گرفته است.

امیرخان از زیرکی خدادادی و سختکوشی بسیار زیادش بهره می‌برد که هیچکس نمی‌تواند این دو مزیت را

■ هر کسی سعی بر بی‌اهمیت جلوه دادن اجراهای من دارد. این انرژی من از منابع مختلفی تغذیه می‌شود، از وجود انسانی که من هستم، از پریشانی‌ها و از غمهای زندگی. و این مسأله برخلاف آنچه که گفته می‌شود نیست. در نهاد من «چیزی» است که هدیه خداوند است. آنچه که مردم نمی‌فهمند آن است که من قادرم این توانایی و انرژی را در راه مثبت به کار گیرم. این انرژی می‌توانسته در راه بد و خشونت بکار گرفته شود.

اگر مردم موفقیت‌های من و بازبیایم را به خاطر وجود انرژی زیاد در من می‌دانند، خوب است اما من زمانیکه این انرژی را از دست بدهم نقشهای منفعلی را ایفا خواهم کرد. اما امروز تا می‌توانم از این موهبت الهی بهره می‌برم، چرا که نه!

تنهایی و در مقابل همسرم. او تنها کسی است که مرا مجبور به پذیرفتن می‌کند.

□ شما یک آدم افراطی هستید. اشتباهاتتان را نمی‌پذیرید. آیا زمانیکه اشتباه می‌کنید، توانایی گفتن «بله من آنرا انجام داده‌ام» را دارید؟

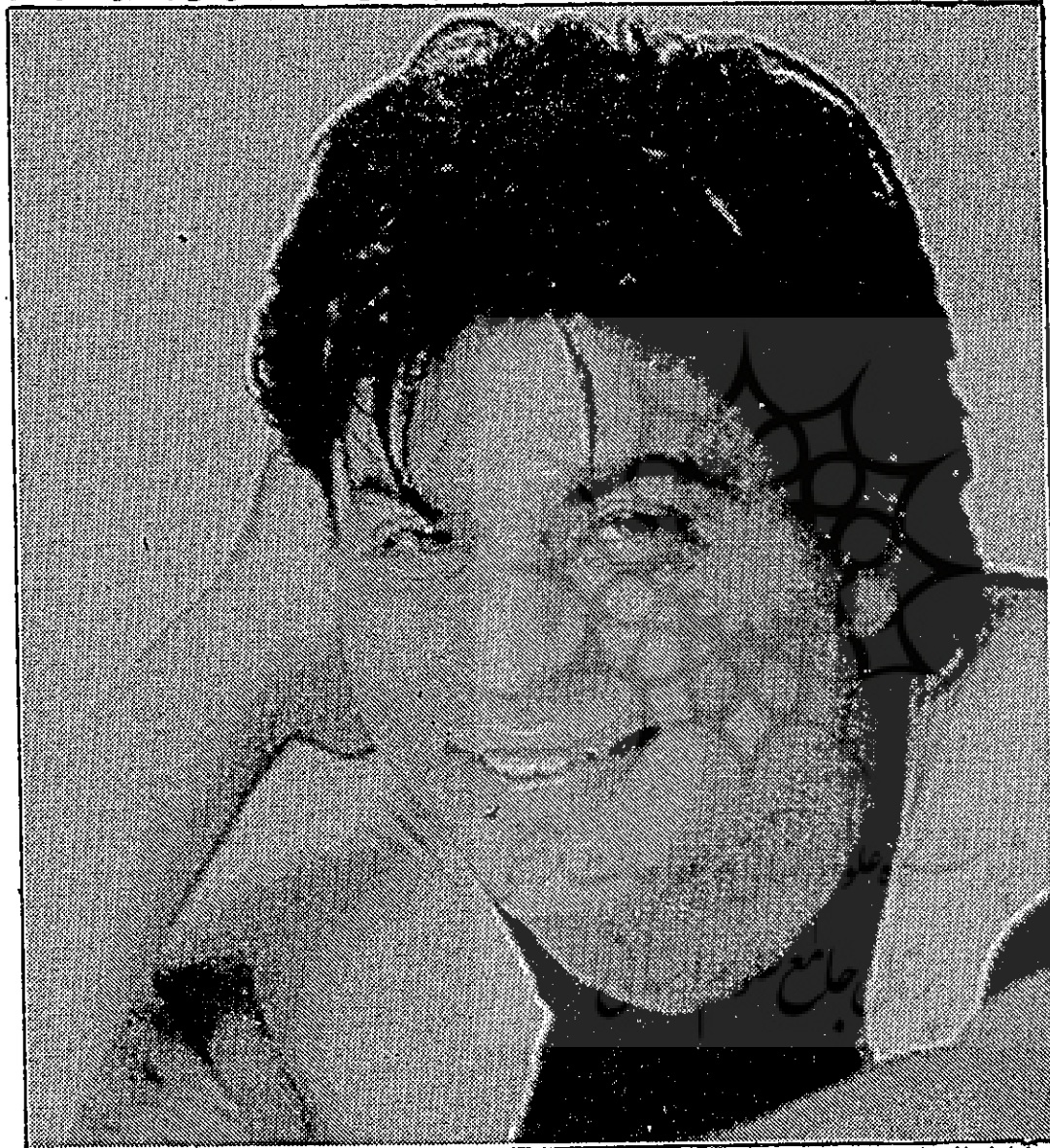
■ من عقیده دارم بهترین روش پاسخگویی «تک‌گویی» است. هر زمانیکه شروع به توضیح دادن می‌کنید، برای خود مشکل می‌آفرینید. من خیلی توضیح نمی‌دهم. زمانیکه می‌خواهید مسأله‌ای را تشریح کنید، با خودتان صحبت می‌کنید و شروع می‌کنید به افشا کردن بیش از اندازه. پذیرش، بهترین روش خاتمه دادن به برملا کردن اجاسات است. پس اگر می‌پرسید «آیا شما اشتباهتان را نمی‌پذیرید» جواب «بله» است. پس تمام شد. سؤال بعدی را بپرسید.

□ بالاخره آیا شما می‌پذیرید که اشتباه می‌کنید یا نه؟
■ هیچ شخصی دوست ندارد بپذیرد که اشتباه می‌کند. اما مشکل من این است که نمی‌خواهم بپذیرم که در اشتباهم. و اصلاً من همیشه درست می‌گویم و اسم من آقای درست (Mr. right) است.

□ شما از هیچ استراتژی پیروی نمی‌کنید و فرمول خاصی ندارید. اما یکبار به کنایه گفتید که تمام انتخاب نقشه‌هایتان در فیلمهای منفی، فیلمهای بد و قهرمانانه، کمدی و رمانتیک یک حرکت میانجیگری بوده است؟

■ من همچنین چیزی را نگفتم. مردم دوبت دارند مسایل را ساده بگیرند و آماده‌اند که تو را به چهار میخ بکنند من هیچگاه این چنین مشکلی نداشتم که صنعت سینما مرا مجبور کند. من به بازیگرانی که می‌گویند «این صنعت مکان بدی است» و همچنین چیزهای ... علاقه‌ای ندارم. برای من این سینما مکان خوبی بوده است. زمانیکه دومین نقش کوتاه را که منفی بود، ایفا کردم مردم گفتند که من توانایی بازی در نقش اول و قهرمان فیلم را ندارم. اما بعد از آن کارن آرجون و دیلوال و ... پیش آمد.

در دیلوال نقش قهرمانانه فیلمهای هندی را ایفا کردم و نقش مثبتی که مثبت‌تر از این در دیگر فیلمها وجود ندارد. هر دو فیلم موفق شدند. روز بعدش مصاحبه‌ای داشتم آنها می‌گفتند این دو فیلم بخاطر آوازه‌ایش دو اثر پرفروش شدند. من گفتم «درسته». آنها گفتند شما سزاوار جایزه بهترین بازیگر مرد نبودید. باز من گفتم «بله». اما من این جوایز را دریافت کردم و هیچ کس نمی‌تواند آنها را پس بگیرد. برخی از مردم می‌گویند «که من گپی می‌کنم و برای پول است که ایفای نقش می‌کنم». من حدود شش سال است که در این صنعت هستم. و به عنوان یک بازیگر درجه یک در سیاه ۱۰ بازیگر برتر سینمای هند در پنج سال اخیر قرار دارم. اگر هر کسی بتواند در این صنعت پول درمی‌آورد. پس من هم می‌توانم. من فقط برای پول نیست که ایفای نقش می‌کنم، آیا اگر به من پول می‌دهند باید آن را رد کنم؟ به من بی‌دلیل پول داده نمی‌شود. اشخاصی را می‌شناسم که مستحق درآمدی که دارند، نیستند. من سخت کار کرده‌ام و در سینما نوآوری کرده‌ام. کرم در این راه صدمه دیده است و حنجره‌ام ناراحت شده است. من خیلی چیزها از دست دادم. تا به این جا رسیدم. همیشه باید چیزی را از دست بدهی تا چیز دیگری بدست آوری». اما هیچ کس حق ندارد به من بگوید که لیاقت ندارم. پس هیچ استراتژی وجود نداشته است. همیشه فکر کرده‌ام که خداوند مرا بدینجا رسانده است. شاید عجیب به نظر برسد. به هر حال شایعات زیاد است. فیلم جدید من هم به زودی اکران می‌شود. باید نشست و عکس‌العمل‌ها را دید.
□ درست است که خداوند و «موقعیت‌شناسی» شما عامل موفقیتتان بوده است، اما آیا قبول دارید که موفقیت‌های شما از انرژی نهفته در نهادتان نشأت گرفته است؟



از او بگیرد. اگر شما او را دوست ندارید در فیلمهایتان از او استفاده نکنید. فکر می‌کنم امیرخان، بازیگر بهتری است نسبت به من. به شخصه عقیده دارم او نیاز به ابتکارات بیشتری در اجراهایش دارد. اگر شما داخ و راجا هندوستانی را ببینید، بدون تردید می‌گویید امیرخان در قالب یک بازیگر رشد کرده است. چون او یک دوست خوب است من اینچنین می‌گویم، در غیر اینصورت این جملات معنای انتقاد را پیدا می‌کرد. به شخصه زمانیکه او را ملاقات کنم می‌گویم:

«امیر، تو باید یک دیوانگی بی صورت دهی». اگر ما در یک فیلم با هم ظاهر شویم من قادر خواهم بود که چیزهایی را در او پدید آورم. همینطور هم امیرخان می‌تواند در من ویژگی‌هایی را بوجود آورد.

□ آیا شما کسل نمی‌شوید که نقشهایی بنا این خصوصیات ایفا کنید؟

■ من ۳۱ ساله‌ام. خودم هم احساس احمقانه‌ای دارم زمانیکه از پشت این درخت به سوی آن درخت می‌دوم. من همیشه نسبت به ستم پخته‌تر بوده‌ام. و همزمان رفتاری کودکانه داشته‌ام. اما امروز به عنوان یک بازیگر نیاز به تغییرات را در خود احساس می‌کنم. من باید تغییر کنم. شما این تغییرات را در اجراهای فیلمهای آتی من خواهید دید. پس دیگر «انرژی» مفهوم پریدن از پشت این درخت به درخت دیگری را نخواهد داشت. انرژی در جایی که نوعی قدرت حضور، وجود داشته باشد، خواهد بود.

□ شما دائماً با «امیرخان» مقایسه می‌شوید. آیا این چنین مقایسه‌هایی را تحسین‌آمیز می‌بینید یا نفرت‌انگیز؟